

گزارش «وطن امروز» درباره مدیریت اخیر اقتصاد ایران

سپر بومی علیه شمشیر تحریم



برای آنکه بتوان ابعاد ورود رهبری به عرصه اقتصاد را سننجید، ناگزیر باید جایگاه قانونی ایشان را مبنا قرار داد. مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبری سیاست‌های کلی نظام را تعیین می‌کند و بر حسن اجرای آنها نظارت دارد. خود رهبری شهید بارها بر این چارچوب تأکید کرده‌اند: «وظایف و مسؤولیت‌های رهبری، همان چیزی است که در قانون اساسی آمده است» (۱۳۷۹/۱۲/۲۲). بنابراین رهبری مسؤول اجرا نیست، بلکه متولی ترسیم افق و صیانت از جهت‌گیری کلان کشور است. در چنین مختصاتی، ورود به مصداق‌های عینی و گاه جزئی، با انگیزه گره‌گشایی در زمان ایستایی دستگاه‌های اجرایی صورت می‌گیرد و نباید آن را از سنخ مداخله در وظایف دولت برشمرد. درک این مرز ظریف، از خلط میان جایگاه مطالبه و مقام پاسخگویی پیشگیری می‌کند.

■ ترسیم نقش راه ملی ذیل نام‌گذاری‌ها و ابلاغ سیاست‌های کلی

نخستین گام عملی رهبری شهید در تراز ملی جهت پیشرفت اقتصادی و رفع تنگناهای معیشتی، گفتمان‌سازی اقتصادی با شده است. ظرفیت سنت نام‌گذاری سسال‌ها بوده است. از سال ۱۳۸۷ که با عنوان «نوآوری و شکوفایی» آغاز شد تا «رونق تولید» در ۱۳۹۸، هر یک از این عناوین به مثابه مانیفست یک سال کاری برای حاکمیت و ملت عمل کرده است. «جهاد اقتصادی»، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، «اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل» و «حمایت از کالای ایرانی»، هر کدام معطوف به خلأیی ساختاری طراحی شدند. رهبری شهید در نوروز ۱۳۹۸ صریحاً پیوند میان تولید و معیشت را ترسیم کردند: «مشکل اساسی کشور، همچنان مشکل اقتصادی است؛ بخصوص در این ماه‌های اخیر، مشکلات معیشتی مردم زیاد شد. تولید اگر چنانچه به راه بیفتد، هم می‌تواند مشکلات معیشتی را حل کند». این رویه مستمر، به‌تدریج ادبیات اقتصادی را از خاشیه به متن گفت‌وگوی ملی آورد و ضرورت حمایت از کار و سرمایه ایرانی را به فهم عمومی تبدیل کرد.

اگر نام‌گذاری‌ها قطب‌نمای هر سال باشند، سیاست‌های کلی ابلاغی، اطلس راهبردی اقتصاد ایران برای دهه‌های متمادی است. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خرداد ۱۳۸۴، ابلاغ فرمان ۸ ماده‌ای مبارزه با فساد اقتصادی، ابلاغ سیاست‌کلی اقتصاد مقاومتی و دیگر ابلاغیه‌ها؛ از مهم‌ترین نقاط عطف در معماری اقتصادی کشور به‌شمار می‌آیند. رهبری شهید در آن مقطع با تأکید بر «کشتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی»، «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم»، «مبارزه صریح با فساد و رانت دانه‌دردها»، «افزایش رقابت‌پذیری» و «کاستن از بار تصدی دولت»، عملاً چراغ سبزی به کوچک‌سازی بدنه دولتی و توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی

گروه اقتصادی: در فراز و فرودهای تاریخی ایران، هیچ موضوعی به اندازه «اقتصاد» با مفهوم استقلال و عزت ملی گره نخورده است. اکنون نزدیک به ۳ دهه است که معیشت مردم و سفره‌های خانواده‌های ایرانی به خاکریز اول رویارویی با فشارهای دشمنان مبدل شده است. در این ساخت پیچیده، حیات اقتصادی جامعه تنه به تنه امنیت ملی می‌زند و تضعیف آن، ثبات اجتماعی را هدف می‌گیرد. بر همین مبنا بازخوانی مشی رهبر شهید انقلاب در این حوزه، ضرورتی حیاتی برای فهم هندسه قدرت در ایران است.

در کانون این نقشه‌راه، راهبردهای رهبر شهید جلوه‌ای عمیق یافته است که با نگاهی چندوجهی، در پی پیوند میان آرمان‌های عدالت‌طلبانه و ضرورت‌های تولید ثروت برآمده‌اند. ایشان با درکی واقع‌گرایانه از ساختار قدرت جهانی و شناخت دقیق از کاستی‌های مدیریتی داخلی، هندسه‌ای نوین برای اقتصاد ملی در دهه‌های اخیر ترسیم کردند که ستون‌های آن بر خودباوری، درون‌زایی و پاک‌دستی بنا شده است. این رویکرد به جای تکبیه بر مدل‌های ترجمه‌ای توسعه، به دنبال کشف «لگوی ایرانی-اسلامی» است و موقعیت پیچیده در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است.

در گزارش پیش رو تلاش شده مسیر پیموده شده و گام‌های کلان امام خامنه‌ای شهید در حل گلوگاه‌های معیشتی مردم و تثبیت اقتدار اقتصادی ایران مرور شود؛ راهی که از تبیین تئوریک آغاز شده و به هدایت میدانی در دشوارترین شب‌های تحریم رسیده است.

■ تصدیق درد و آغاز درمان در چارچوب قانون گام اول در هر تحول ساختاری، صادقانه دیدن متن واقعیت است. رهبر شهید انقلاب

از سال‌ها پیش با صراحتی صحنه‌نظر، بر واقعیت مشکلات اقتصادی و معیشتی صحت‌گذارند و این دشواری‌ها را در جایگاه یک دغدغه کلان ملی بازخوانی کردند. درست در روزهایی که برخی سعی داشتند تابلوهای اقتصادی را بی‌عیب نشان دهند، ایشان در ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ با گزاره «مردم گله‌مندند»، مسیر تحلیل را تغییر دادند و افزودند: «مردم با تبعیض میانه‌ای ندارند؛ هر جا تبعیض بینند، احساس ناراحتی و رنج می‌کنند. هر جا کم‌کاری ببیند همین جور، هر جا بی‌اعتنایی به مشکلات ببیند همین‌جور؛ مردم گله‌مندند». این صراحت، پیش‌تر در خرداد همان سال به اوج رسید؛ آنجا که بیکاری یک جوان را مایه «شرمندگی نظام» دانستند و فرمودند: «شرمندگی بنده حقیر از ملاحظه این آمار و مطالعه این حقیقت، از شرمندگی آن جوانی که بیکار می‌رود خانه و دستش چیزی نیست کمتر نیست، بلکه بیشتر است». چنین نگاهی، صرف همدردی عاطفی نیست. این را باید حلقه نخست زنجیره یک راهبرد اقتصادی دانست که بدون درک دقیق فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب، امکان شکل‌گیری ندارد.

نشان دادند. با این حال ۲ سال بعد، از سرعت اجرای آن ابراز نارضایتی کردند و این کم‌توجهی را ناشی از «برداشت‌های مختلف و نرسیدن به یک درک مشترک در دستگاه‌ها» دانستند؛ همداری که همچنان تا‌زگی دارد. افزون بر آن سیاست‌های کلان انرژی، امنیت سرمایه‌گذاری، تولید ملی و منابع آب نیز هر کدام نقشه راهی بخشی ارائه دادند تا تصمیم‌های اجرایی در خلأ شناور نمانند.

■ دکترین ضد شوک

در بهمن ۱۳۹۲، هنگامی که حلقه تحریم‌ها تنگ‌تر شد و شوک‌های بیرونی، تاب‌آوری اقتصاد را نشانه رفتند، رهبر معظم انقلاب سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» را ابلاغ کردند؛ لگویی بومی و علمی که به تعبیر ایشان «برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» است. در متن ابلاغیه تأکید شد اگر ایران از این الگو پیروی کند بر همه مشکلات فائق می‌آید و دشمن را که «با تحمل یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار صف‌آرایی کرده، به شکست می‌رسد» از برنامه‌های متعارف متمایز می‌کند، نگاه درون‌زا و برون‌گرای آن، تکیه بر ظرفیت‌های مردمی و مقاومت‌سازی زنجیره تأمین است. رهبری بلافاصله از قوای سه‌گانه خواستند «بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند» و نقشه راهی برای عرصه‌های مختلف تدوین شود. اما واقعیت آن است که تبدیل این سند راهبردی به برنامه اجرایی به عزم و انسجامی فراتر از آنچه در سال‌های بعد شاهد بودیم نیاز داشت.

مورد توافق قوا نیازی به تأیید مجدد ایشان ندارد و می‌تواند بلافاصله اجرا شود. این چابک‌سازی بی‌سابقه در ساختار تصمیم‌گیری، پاسخی به سرعت تهاجم اقتصادی دشمن بود و نشان داد که سکندار می‌تواند برای حفظ کشتی، مسیرهای مینابر قانونی را هموار کند.

همچنین در بصبوحه تنگناهای اقتصادی و فشار بی‌سابقه دشمن، ایجاد شورای هماهنگی سران قوا جهت تسریع در تصمیم‌گیری توسط نمایندگان مردم و دوری از پیچ و خم‌های بروکراسی و اداری نظام تصمیم‌گیر، یک تصمیم هوشمندانه محسوب می‌شد که پس از آن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از حیث کیفیت و کمیت، شکلی متفاوت نسبت به قبل از خود پیدا کرد.

همچنین در کنار این موارد، اقدامات راهبردی رهبر شهید، همواره با مطالبه‌گری‌های صریح و گاه عتاب‌آمیز همراه بوده است. ۳ ماه پس از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، وقتی تحرک لازم را در بدنه اجرایی مشاهده نکردند، در ۴ خرداد ۱۳۹۳ هشدار دادند: «ستایش کافی نیست؛ تعریف کردن کافی نیست؛ حرکت لازم است». این جمله چکیده رویکردی است که میان توصیه استراتژیک و حسابرسی از عملکرد فاصله نمی‌گذارد. در موضوع قاچاق

نیز تذکرات مصداقی به اوج می‌رسد. ایشان در آغاز سال ۱۳۹۶ با اشاره به گزارشی گفتند: «روزی ۳ تا ۵ هزار کانتینر وارد می‌شود، فقط ۱۵۰ کانتینر بازدید می‌شود؛ بقیه بدون بازدید می‌آید و وقتی داخل انبار رفت، معلوم می‌شود جنس قاچاق است». آن‌گاه با لحنی آمیخته به تأسف از متولیان خواستند سوخاخ دعا را گم نکنند. این سطح از جزئی‌گویی، از یک رهبر در جایگاه راهبری کلان، نشانه تسلط و پیگیری تخصصی موضوعات و آسیب‌های اقتصادی کشور است که حلقه‌های میانی تصمیم‌گیری از آن غفلت می‌کنند.

■ تولید ثروت ملی ذیل عدالت و مبارزه با فساد

فساد اقتصادی و قاچاق سازمان‌یافته، در ادبیات رهبر شهید ۲ لیه یک قیچی بودند که ریشه تولید ملی را می‌بُرند. ایشان تیر ۱۳۸۰ با هشدار نسبت به سرایت فساد از مسوولان به بدنه کشور، بر لزوم «مبارزه قاطع با فساد اقتصادی و مالی» به‌عنوان پیش‌شرط امنیت سرمایه‌گذاری تأکید کردند. این نگاه در سال‌ها بعد پررنگ‌تر شد. ایشان مرداد ۱۳۹۵ پیشنهاد دادند کالاهای قاچاق دارای مشابه داخلی را «جلوی چشم همه آتش برزند» تا ضربه به قاچاقچی وارد شود. این گزاره‌های صریح در مبارزه با فساد، در سطح سخن باقی نماند و با موافقت ایشان برای تشکیل دادگاه‌های ویژه اخلاک‌گراان اقتصادی و توصیه مؤکد به وزارت اطلاعات برای پرهیز از مماشات، پشتوانه عملی یافت. هرچند هنوز تا ریشه‌کنی کامل فاصله داریم اما جهت‌گیری کلان نظام در این میدان، مدیون صراحت و پیگیری ایشان بوده است.

بهینه‌سازی مصرف انرژی در دستگاه‌های اجرایی، مهم‌ترین گام برای جلب اعتماد عمومی و مدیریت ناترازی برق و گاز است

کمپین بهینه‌سازی انرژی را از دولت شروع کنید

صرفه‌جویی روزانه به ازای هر مشترک در دسترس است؛ کاهشی ارزشمند اما ناپایدار.

دولت این بار بدون هیاهو، کمپین‌های بهینه‌سازی مصرف را از ساختارهای خود شروع کند. البته این اقدامات نباید صرفاً به بخشنامه‌های کاغذی ساعات کاری دستگاه‌ها و پر کردن ویتترین عملکرد محدود شود، بلکه باید از فرصتی که از دل چالش‌ها بیرون آمده، نهایت استفاده و بهره برده شود. حالا که سازمان «بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی» کار خود را آغاز کرده و از نظر ساختار نهادی پشتوانه کافی برای راهبری پروژه‌های بهینه‌سازی و بهره‌وری در مقیاس ملی به‌وجود آمده، باید ظرفیت بزرگ دولت، دستگاه‌های عمومی و نهادهای حاکمیتی، در قالب یک برنامه صرفه‌جویی ملی با در نظر گرفتن ابعاد فنی، اقتصادی و فرهنگ سازمانی در دستور کار قوری قرار گیرد. این نگاه که دستگاه‌های دولتی، عمومی و حاکمیتی سهم ناچیزی از مصرف انرژی کشور را به خود اختصاص می‌دهند و نباید در اولویت «میزی و بهینه‌سازی» انرژی قرار گیرند، همانقدر اشتباه است که بدانیم دست‌کم ۱۷ میلیارد کیلووات ساعت از انرژی نهایی کشور را این گروه مصرف می‌کند. در نتیجه هر گونه بهبود بهره‌وری فرآیند و بهینه‌سازی مصرف در این بخش می‌تواند در مقیاس ملی به کاهش قابل ملاحظه مصرف انرژی، بویژه در دوره‌های اوج بار منجر شود. سوابق کشورهای پیشرو در پروژه‌های کلان بهینه‌سازی و بهره‌وری انرژی نیز این درس را به ما می‌آموزد که دولت‌ها، سیاست‌ها و فرآیندهای اصلاحی را ابتدا از خود شروع می‌کنند و سپس به سایر بخش‌های سمت تقاضا تسری می‌دهند.

همچنین اقدام عملی دولت در بهینه‌سازی مصرف ساختمان‌ها و بهره‌وری دارایی‌های خود، نقش مهمی در

از همان ابتدا می‌تواند با ایجاد یک صندوق مالی مستقل در حوزه بهینه‌سازی انرژی، به عنوان ستون مالی و محرک بازار بهره‌وری انرژی در ایران عمل کند تا با پای کار آمدن کسب‌وکارهای بخش خصوصی، استفاده از منابع شهروندان نیز گره بخورد. این صندوق با کاهش ریسک، تأمین سرمایه اولیه و پشتیبانی از نوسازی و نوآوری، می‌تواند زمینه را برای هزینه‌کرد و مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های دولتی، عمومی و ارگان‌های حاکمیتی فراهم کند. اولین راه مقابله با یک چالش، بستن راه انتشار آن است. اگرچه توسعه و سرمایه‌گذاری روی سامانه‌های کوچک‌مقیاس تولید برق خورشیدی در دستگاه‌های عمومی و دولتی اقدام ارزنده‌ای است ولی حتماً نمی‌تواند به عنوان اولویت این روزهای کشور تعریف شود. ولو اینکه گزارش‌های عملکردی جدایی برای مدیران به دنبال داشته باشد. استقرار برنامه‌های بهینه‌سازی و اصلاح فرآیندهای مصرف انرژی در دارایی‌ها و ساختمان‌های دستگاه‌های عمومی و دولتی با سرمایه‌گذاری بسیار پایینی در کوتاه‌مدت می‌تواند رشد و کارایی به مراتب بالاتری از توسعه و ارتقای توان نیروگاه‌های خورشیدی در این اماکن داشته باشد. دستگاه‌های وابسته به نهاد دولت هستند؛ به عنوان مصرف‌کنندگان عمده، بلکه باید به عنوان پیشگامان تغییر، با ورود جدی به عرصه بهینه‌سازی تأسیسات و ساختمان‌های خود، الگوی عینی از حکمرانی بهره‌ور ارائه دهند. بهره‌وری در فرآیندها و بهینه‌سازی مصرف انرژی از نان شب برای دستگاه دولت و وابستگی‌اش واجب‌تر است و باید هر چه سریع‌تر در دستور کار عینی و عملیاتی تصمیم‌گیران قرار گیرد؛ اینگونه است که جامعه هم در برابر صیانت از انرژی احساس تکلیف خواهد کرد.

* پژوهشگر و کارشناس انرژی

ایجاد الگوی رفتاری برای سایر بخش‌ها بویژه بخش‌های «صنعت و مسکونی» دارد. وقتی دستگاه‌های دولتی به‌طور نظام‌مند اقداماتی مانند اصلاح موتورخانه‌ها، نوسازی سیستم‌های سرمایش و گرمایش، استفاده از روشنایی کم‌مصرف، کنترل تابش و نور و مدیریت زمان مصرف انرژی را اجرا کنند، این اقدامات می‌تواند به‌عنوان یک تجربه عملی و قابل تعمیم برای بخش خصوصی و سایر مصرف‌کنندگان عمل کند.

در نهایت، بهینه‌سازی مصرف در ساختمان‌ها و تأسیسات دستگاه‌های دولتی، عمومی و حاکمیتی کم‌هزینه‌ترین و مهم‌تر از همه سریع‌ترین ابزار مدیریت تقاضای انرژی محسوب می‌شود. در شرایطی که کشور با ناترازی فصولی در برق و گاز مواجه است، کاهش مصرف در این بخش می‌تواند بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگین در افزایش ظرفیت تولید، به کاهش فشار بر شبکه انرژی و افزایش تاب‌آوری آن کمک کند. از این منظر، بهینه‌سازی انرژی در بخش‌های دولتی و عمومی نه صرفاً یک اقدام مدیریتی، بلکه باید بخشی از راهبرد تقویت امنیت انرژی کشور شمرده شود.